

## تحلیل جنسیتی و تجربه عملی آن در ایران<sup>(۱)</sup>

شراره ورزگر\*

### چکیده

این نوشتار باهدف معرفی تحلیل جنسیتی، برای آشنایی برنامه ریزان و تدوین کنندگان پروژه‌های توسعه با این بحث و تجربه عملی آن در ایران تدوین شده است. تحلیل جنسیتی نوعی روش‌شناسی است که تصویر جامعی از سهم و نقش زنان و مردان را در جامعه مورد نظر به نمایش می‌گذارد. زمینه‌های مشابهت و تفاوت نیازهای زنان و مردان و آنجا که نقش‌های آنها مکمل یکدیگرند، موضوع مورد بررسی در این روش می‌باشد. چارچوب عملی تحلیل جنسیتی شامل چهار موضوع اصلی است: (۱) شناخت زمینه توسعه، (۲) شناخت فعالیت زنان، مردان و نقش آنها، (۳) دسترسی زنان و مردان و کنترل آنها بر منابع و نیازها، (۴) طراحی برنامه عمل مورد نیاز برای کاهش نابرابریهای جنسیتی و سازگاری نیازهای مردان و زنان با اهداف توسعه. کاربرد روش تحلیل جنسیتی در کارگاه آموزشی با کارشناسان توسعه روستایی نشان دهنده ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشی و ارتقاء دانش تدوین کنندگان پروژه‌های توسعه روستایی در این زمینه است.

### کلید واژه

تحلیل جنسیتی / زنان / فعالیت / منابع طبیعی

\* دارای کارشناسی ارشد ترویج از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. کارشناس گروه مطالعات زنان روستایی پژوهشکده برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

## مقدمه

زندگی زنان و مردان در هر جامعه دارای ساختارهای متفاوتی است و برنامه‌ریزی‌های انجام شده بدون توجه به این واقعیت، فاقد دقت کافی برای دستیابی به اهداف توسعه است. در حال حاضر برنامه‌های کشورهای در حال توسعه، بندرت با دیدگاه جنسیتی و استفاده از اطلاعات مبتنی بر تفکیک جنسیت تدوین می‌شود. زیرا آگاهی از اهمیت این مسئله هنوز شکل نگرفته و اکثر افرادی که بعنوان برنامه‌ریز و یا کارگزاران توسعه فعالیت می‌کنند به آموزش‌های لازم برای انجام تحلیل جنسیتی دسترسی ندارند. در حالیکه تجربیات چند دهه گذشته ثابت کرده است موفقیت هر برنامه‌ای در گرو تحقق سه شرط پایداری، اثربخشی و برابری است.

منظور از پایداری<sup>۱</sup>، آن دسته از اقداماتی است که پس از پایان حمایت‌های مالی و کارشناسی کارگزاران توسعه، اجرای برنامه تداوم یافته و مردم محلی از فواید آن برخوردار شوند.

اقداماتی را می‌توان کار آمد یا اثر بخش<sup>۲</sup> تلقی کرد که به اهداف تعیین شده خود دست یافته باشند.

منظور از برابری<sup>۳</sup>، آن دسته از اقداماتی است که همه اعضاء جامعه و افراد محلی (مردان و زنان) به منافع و منابع آن دسترسی دارند و در فرصت‌های پیش آمده مشارکت می‌کنند.

روش تحلیل جنسیتی براین استدلال بنا شده است که برای دستیابی به پاسخ درست و یا تحقق هدفهای تعیین شده در برنامه‌های توسعه شناخت شرایط محیطی و یا فنی کافی نیست، بلکه شناخت ساختار و روابط اجتماعی در بسیاری از موارد

---

۱. Sustainable

۲. Effective

۳. Equitable

اهمیت بیشتری دارد و موفقیت زمانی بدست می‌آید که مشارکت زنان و مردان در هر زمینه‌ای به حداکثر برسد.

هدف این مقاله، علاوه بر طرح اهمیت آشنایی برنامه‌ریزان و تدوین کنندگان پروژه‌های توسعه با بحث تحلیل جنسیتی، ارائه یافته‌هایی است که در تجربه عملی این روش در مدیریت منابع طبیعی ایران به دست آمده است.

### تحلیل جنسیتی

تحلیل جنسیتی نوعی روش شناسی<sup>۱</sup> است که تصویر جامعی از سهم و نقش زنان و مردان را در جامعه مورد نظر به نمایش می‌گذارد. در این روش اطلاعات مبتنی بر تفکیک جنسیت افراد به عنوان واحد تحلیل<sup>۲</sup> گردآوری می‌شوند، در حالیکه در برنامه‌های توسعه غالباً خانوار یا خانواده بعنوان واحد تحلیل انتخاب می‌گردد. فرض اصلی رهیافت تحلیل جنسیتی این است که لزوماً همه اعضای خانواده به صورت برابری در کلیه منابع به دست آمده توسط کل خانواده سهم نیستند و نیازهای یکسانی نیز ندارند. بنابراین برنامه‌های توسعه‌ای که با این فرض تدوین نمی‌شوند، خط مشی و سیاستهای آنها در عمل بیشتر از مردان خانواده حمایت می‌کند و نیازهای سایر افراد خانواده نادیده باقی می‌ماند.

پیش فرض دیگر تحلیل جنسیتی این است که ویژگی خاص خود را دارد و هیچ فرد دیگری، خانواده‌ای یا روستایی و یا ملتی، همان ویژگی‌ها را از نظر منابع، نحوه مدیریت، چارچوب زمانی و یا محدودیت‌ها ندارد.

تحلیل جنسیتی یک روش عملی برای شناخت تفاوت‌های موجود در جامعه و تأثیر این تفاوت‌ها بر برنامه‌های توسعه است. محور تحلیل جنسیتی شناسایی فعالیت‌ها و منابع مردان و زنان، زمینه‌هایی که آنها با هم تفاوت دارند و آنجا که مکمل یکدیگرند، می‌باشد. در چارچوب چنین تحلیلی باید بتوان به این پرسش‌ها پاسخ داد

۱. Methodology

۲. Unit of Analysis

که آیا اهداف برنامه توسعه نیازها و اولویتهای زنان و مردان را تأمین می‌کند؟ آیا نیازها و اولویتهای این دو با هم متفاوت‌اند؟ چه کسانی در هر یک از فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه توسعه مشارکت می‌کنند، مردان، زنان و یا هر دو؟ تجربه‌های موجود در مدیریت منابع طبیعی اهمیت یک مسئله را به خوبی روشن کرده است. همه می‌دانند که جنگل‌زدایی<sup>۱</sup> دسترسی مردم را به منابع غذایی وابسته به جنگل، مواد ساختمانی، تأمین سوخت، گیاهان دارویی و حیات وحش کاهش می‌دهد. اما نکته جالب اینست که برنامه‌های حفاظت از جنگل و توسعه جنگل‌ها<sup>۲</sup> نیز می‌تواند موجبات کاهش دسترسی مردم را به منابع جنگلی فراهم نماید. چنین پروژه‌ای همه (مردان و زنان) را دچار مشکلاتی می‌نماید اما چون زنان غالباً مسئول تهیه سوخت و یا گردآوری فراورده‌های جنگلی هستند، به میزان چشمگیری دشواری بیشتری را نسبت به مردان تحمل می‌کنند و این شرایط می‌تواند مشارکت در سایر فعالیت‌های تولیدی زنان را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین تدوین کنندگان برنامه توسعه که به مسائل زیست‌محیطی و نیازهای اجتماعی می‌پردازد باید از وضعیت زنان، فعالیت‌های آنان و نهایتاً تأثیر برنامه توسعه بر آنها و میزان برخورداری آنها از منافع آن اطلاعات کافی داشته باشند.

در پروژه‌های منابع طبیعی مانند سایر برنامه‌های توسعه روستایی زنان و مردان هر دو نقش دارند. اما هرکدام براساس نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند از آگاهیها و اطلاعات متفاوتی برخوردارند و نیازهای آنها یکسان نیست. دانستن اینکه زنان و مردان به چه صورت از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، چه نقشی در مدیریت این منابع ایفا می‌کنند و سهم فعالیت‌های آنان در کسب درآمد و تأمین معیشت چگونه است، اهمیت بسیار دارد. بطور نمونه نتیجه اجرای یک پروژه حفظ و احیاء جنگل‌ها در منطقه مانگ (کشور تایلند) چنین گزارش شده است:

---

۱. Deforestation

۲. Afforestation

مردان روستایی در فرایند تدوین برنامه مشارکت نمودند. بدلیل نوع فعالیت مردان، آنها اعلام کردند که به درختان با چوب سخت نیاز دارند تا بتوانند میز و صندلی و یا سایر وسایل چوبی خراطی شده بسازند. سه هزار نهال برای این کار توسط مسئولان برنامه به روستا فرستاده شد ولی همه آنها خشک شدند. زیرا در منطقه مانگ نهالکاری از فعالیت‌های زنان محسوب می‌شود، ولی هیچکس قبلاً با آنها در مورد زمان اجرای این کار صحبت نکرده بود، و چون آنها در همان زمان فعالیت دیگری را باید انجام می‌دادند، نهالها از بین رفتند. علاوه بر این چون کار جمع‌آوری هیزم و فرآورده‌های جنگلی نیز برعهده زنان است، آنها درختان سریع‌الرشد و از نوع چوب نرم را ترجیح می‌دادند. در نتیجه مسئولان برنامه، برای پاسخگویی به نیازهای زنان و مردان و در زمان مناسب با برنامه‌های کاری زنان، از هر دو نوع نهال به میزان کافی در اختیار مردم قرار دارند. (FAO, 1997)

بنابراین شناخت نقش زنان و مردان روستایی در ارتباط با بهره‌برداری از منابع طبیعی و جایگاه مشارکت آنان در حفظ و احیاء این منابع، موضوعی کاملاً اجتماعی-فرهنگی است. بهره‌گیری از تحلیل جنسیتی توسط کارگزاران و دست‌اندرکاران توسعه محلی، زمینه تحقق اهداف برنامه‌های توسعه‌رابه‌صورت پایدار، برابر و مؤثر فراهم می‌سازد. پیش از پرداختن به چارچوب عملی تحلیل جنسیتی، درباره مفاهیم مورد استفاده در این تحلیل مانند زن، جنسیت و تقسیم کار جنسیتی توضیح مختصری داده می‌شود.

### □ مفهوم جنسیت<sup>۱</sup> به جای زن<sup>۲</sup>

در اغلب نوشته‌های پس از جنگ جهانی دوم تا نیمه‌های دهه ۱۹۶۰ مفهوم «زن» به عنوان یک جنس بکار برده شده و نشان از تفاوت بیولوژیک میان زن و مرد داشته است. در لوای این مفهوم زن به عنوان موجودی با مسائل و مشکلات خاص

۱. Gender

۲. Sex

خود و جدای از مردان دیده شده است. با جهانی شدن مسئله تبعیض علیه زنان و تلاش بیشتر نهضت‌های زنان برای کسب برابری و رواج عدالت در جامعه تغییر نگرشی در مباحث اجتماعی نسبت به موضوع اتفاق افتاد که در نتیجه به جای مفهوم «زن» مفهوم «جنسیت» بکار برده شد. این مفهوم جدید بر نگرش و رویکردی متفاوت از گذشته به مسائل زنان تأکید داشته و محور بحث را در واکاوی مشکلات زنان در متن روابط اجتماعی میان زنان و مردان جستجو می‌کند. برای اساس فرودستی پایگاه زنان و تبعیض علیه آنها در شبکه روابط اجتماعی جاری در کل جامعه معنی پیدا می‌کند و در دو دنیای جدای زنانه و مردانه اصل مشکلات نادیده باقی می‌ماند. (Oakley, 1972; Rulin, 1975)

مفهوم «جنسیت» نه فقط به زن که تفاوت بیولوژیک با مرد دارد بلکه به زن در رابطه با مرد و شیوه‌های که روابط این دورا از نظر اجتماعی ساخته است، می‌نگرد. بنابراین در رویکرد جنسیتی این امر که زن و مرد نقش‌های متفاوتی را در جامعه و در گروه‌های اجتماعی کوچکتر ایفا می‌کنند، پذیرفته شده است. اما این پذیرش نه صرفاً به خاطر تفاوت‌های بیولوژیک بلکه تحت تأثیر ایدئولوژی جوامع، گذشته‌های تاریخی، عوامل مذهبی، قومی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد (Whitehead, 1979). نحوه شکل‌گیری اجتماعی و محتوای این نقش‌ها در فضاهای گوناگون و در طول زمان متفاوت و همواره در حال تغییر می‌باشد. گاهی اوقات مشکلات برنامه‌ریزان ناشی از این است که در برنامه‌ریزی به مفهوم «زن» و نه با رویکرد «جنسیت» پرداخته‌اند و سیاست‌های مبتنی بر تفاوت‌های بیولوژیک و نه تفاوت‌های اجتماعی را طراحی و تدوین می‌نمایند.

#### □ تقسیم کار جنسیتی<sup>۱</sup>

در تمام جوامع، تقسیم کار بر مبنای جنسیت وجود دارد. در برخی از جوامع مردان و زنان از مسئولیت‌های کاملاً مشخص و جداگانه برخوردارند. در حالی که در تعداد

۱. Gender-Based Division of Labour

دیگری از جوامع همپوشانی قابل توجهی بین آنچه که از مردان و زنان انتظار می‌رود، وجود دارد. در همه فرهنگها الگوی تقسیم کار جنسیتی ناشی از روابط اجتماعی گذشته شکل گرفته است. این الگوها تحت تأثیر متغیرهای کلان ملی و جهانی در حال دگرگونی هستند. مهمترین عامل در تغییر نقش‌های جنسیتی بحران‌های اقتصادی است. پیامد این بحران‌ها در بسیاری از خانوارها سبب عدم کفایت در آمد مردان برای تامین هزینه‌های زندگی شده است. بنابراین زنان ساعات کار خود را در فعالیتهای تولیدی درآمدزا افزایش داده و یا وارد گروه نیروی کار دستمزدبگیر شده‌اند. علاوه بر این بحران‌های اقتصادی زنان را وارد نوعی از فعالیتهای اقتصادی کرده که بطور سنتی حوزه کار آنان نبوده است. در نتیجه سهم زنان در بهبود کیفیت زندگی خانواده‌ها افزایش یافته و بسیار اساسی شده است. (شادی‌طلب، ۱۳۷۹)

دلایل دیگر تغییر نقش‌های جنسیتی، کاهش نرخ باروری و ارتقاء سطح آموزش زنان است. این عوامل موجب تحول در انتظارات و فرصت‌ها هم برای زنان و هم برای مردان می‌شود. بطور کلی گرچه امروز سهم زنان و مشارکت آنها در بازار کار افزایش یافته‌است، اما کارمولد آنها غالباً نادیده باقی‌می‌ماند. زیرا زنان بیشتر در بخش غیررسمی به فعالیت می‌پردازند و باروش‌های آماری موجود و هنگام جمع‌آوری اطلاعات محاسبه نمی‌شوند. توجه نمودن به نقش‌های جنسیتی در تدوین پروژه‌های توسعه می‌تواند موجب عدم شناسایی درست منابع (که مهمترین نیروی انسانی است) و در نتیجه عدم موفقیت برنامه‌های توسعه شود.

### ② چارچوب عملی تحلیل جنسیتی

انجام تحلیل جنسیتی در برنامه‌های توسعه مستلزم عبور از چهار مرحله یا گام است. این چهار مرحله به همراه یکدیگر به طرح پرسشها، تحلیل اطلاعات و طراحی خطی مشی‌هایی کمک می‌کند که علاوه بر افزایش مشارکت و بهره‌مندی زنان و مردان، توانایی اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه را نیز ارتقاء می‌دهد. چهار مرحله انجام تحلیل جنسیتی به ترتیب عبارتند از :

۱. شناخت زمینه توسعه<sup>۱</sup> یا روندهای موجود در یک منطقه
۲. شناخت فعالیت‌های<sup>۲</sup> زنان، مردان و نقش آنها
۳. شناخت<sup>۳</sup> دسترسی زنان، مردان و کنترل آنها بر منابع
۴. طراحی برنامه<sup>۴</sup> عمل مورد نیاز برای کاهش نابرابریهای جنسیتی و موفقیت بیشتر برنامه توسعه. (Wilde & Arja Vainio-Mattila, 1995)

### گام اول : شناخت زمینه توسعه

اولین گام در جهت اجرای تحلیل جنسیتی تدوین یک مجموعه اطلاعاتی در مورد شرایط و وضعیت موجود جامعه یا منطقه‌ای است که برنامه توسعه در آن اجرا می‌شود. به عبارت دیگر در این مرحله عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی مؤثر در توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرند و عوامل «محدود کننده» و «پشتوانه‌های<sup>۱</sup>» موجود در جامعه مشخص می‌شوند. پرسش‌های اصلی که در این مرحله باید به آنها پاسخ داده شود این است که چه چیزی در مسیر بهتر شدن و چه چیزی در مسیر بدتر شدن اوضاع منطقه مؤثر بوده است؟ در این مرحله هنجارها، جریانها و تغییراتی که موجب شناسایی محدودیت‌ها و پشتوانه‌های موجود در راه اجرای برنامه‌های توسعه می‌گردند، بررسی می‌شوند.

شناخت زمینه‌های توسعه فواید زیر را در بر دارد :

- 
۱. Context Profile
  ۲. Activity Profile
  ۳. Resources Profile
  ۴. Programme Action Profile
  ۵. Constraints
  ۶. Supports



- \* گسترش جامعیت برنامه‌های توسعه با هدف تحت پوشش قرار دادن ویژگی‌های اقتصادی، نهادی، جمعیتی، اجتماعی و سیاسی، روندها و تغییرات و نیز روابط متقابل میان آنها.
  - \* شناسایی عوامل محدود کننده و پشتوانه‌های موجود در بستر اجرایی برنامه‌های توسعه.
  - \* مشخص و بارز نمودن مسایل مربوط به برنامه مورد نظر در سطح محلی و ملی و با توجه به سیاستها و خط مشی‌های دولت و برنامه‌های در دست اجراء.
  - \* از آنجا که برنامه‌های حفظ و احیاء منابع طبیعی مانند سایر برنامه‌های توسعه در خلاء تحقق نمی‌یابد و هر برنامه‌ای با حضور فعال انسانها اجرا می‌شود، شناسایی عوامل مؤثر شامل محدودیت‌ها و پشتوانه‌ها از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند شامل موارد زیر باشد :
  - \* **عوامل محیطی** : مانند فرسایش خاک، جنگل زدایی، تغییر در گونه‌های زیستی و پوشش گیاهی
  - \* **عوامل اقتصادی** : میزان فقر، نرخ تورم، توزیع درآمد، وضعیت تجارت ملی و بین‌المللی در منطقه
  - \* **عوامل نهادی** : مانند ساختار مالکیت اراضی، سازمانهای ترویجی، انواع تشکلهای
  - \* **عوامل جمعیتی** : مانند میزان رشد جمعیت و الگوهای مهاجرت
  - \* **عوامل اجتماعی** : مانند هنجارهای اجتماعی، اعتقادات دینی، باورهای فرهنگی و نقشهای جنسیتی
  - \* **عوامل سیاسی** : مانند ثبات یا عدم ثبات دولت، ساختار قدرت در جامعه، خط مشی‌ها و اولویتهای برنامه‌های دولت
- درک رابطه پویا بین عوامل متفاوت بویژه عوامل اقتصادی و اجتماعی اهمیت بسیار زیادی دارد. به عنوان مثال، در فرهنگ هر جامعه‌ای هنجارهایی در مورد نقش‌های جنسیتی وجود دارد، اما تقریباً در همه جا این هنجارها به دلیل تاثیرپذیری از شرایط اقتصادی جامعه دگرگون می‌شوند. در این مورد می‌توان به مهاجرت مردان

روستایی به شهرها برای دستیابی به کارهای درآمدزا اشاره کرد که به نوبه خود باعث افزایش کارزنان درمزارع و پذیرش مسئولیت بیشتر آنها در فعالیتهای جدید می‌گردد.

### گام دوم : شناخت فعالیت‌ها و نقش‌ها

دومین قدم در روش تحلیل جنسیتی به دست آوردن یک مجموعه اطلاعات در مورد چگونگی انجام فعالیت‌ها در جامعه مورد نظر است. هدف اصلی این مرحله از تحلیل جنسیتی، شناخت فعالیت‌هایی است که توسط زنان و مردان انجام می‌شود، و نیز مشخص نمودن اینکه مسئولیت هر یک از فعالیت‌های مربوط به برنامه‌های توسعه به عهده زنان است یا مردان.

شناخت فعالیت‌ها به تحقق موارد زیر نیز کمک می‌کند :

- \* شناسایی فعالیت‌های تولیدی و باز تولیدی زنان و مردان تا امکان بهره‌مندی از آموزشها و فنون مربوط به نقشهای جنسیتی فراهم آید.
  - \* شناخت وابستگی جنسیتی به منابع طبیعی، از دوجنبه بهره‌برداری و مدیریت.
  - \* مشخص کردن روابط متقابل بین منابع طبیعی مورد استفاده در جامعه و سایر فعالیت‌های تولیدی مانند کشاورزی، صنایع کوچک روستایی، بازاریابی، صنعتگری، اشتغال مزدبگیری و ...
  - \* ارائه تصویری جامع از نوع و حجم کارزنان و مردان، تنگناها و محدودیت‌های مربوط به آن و تلاش در جهت مشخص کردن اینکه کمبود نیروی کار در چه دوره‌های زمانی و در چه فعالیت‌هایی در بین زنان و مردان وجود دارد.
  - \* شناسایی فضای مکانی انجام فعالیت‌ها، این مورد به ویژه به دلیل محدودیت‌های زنان در جابجایی‌های مکانی در برخی از جوامع، اهمیت کاربردی بیشتری دارد.
- بدین ترتیب در این مرحله سعی می‌شود به پرسشهای زیر پاسخ داده شود :
- \* هرکس چه فعالیتی انجام می‌دهد؟
  - \* زنان در چه فعالیت‌هایی بیشتر کار می‌کنند؟

\* مردان چه نوع فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟

\* چه فعالیت‌هایی توسط زنان و مردان انجام می‌شود؟

شناسایی چگونگی تقسیم کار بر مبنای جنسیت نقطه عزیمت مناسبی برای مشخص کردن مشارکت کنندگان فعالیت‌های توسعه به شمار می‌آید. اگر چه در فرهنگ‌های مختلف و حتی در یک فرهنگ، نقش‌های جنسیتی متفاوت هستند اما می‌توان اذعان نمود که زنان و مردان عهده‌دار انجام فعالیت‌های تولیدی متفاوت ولی مکمل یکدیگر می‌باشند. این امکان وجود دارد که نقش‌های فعالیت‌های زنان و مردان براساس نوع فعالیت، مانند دامداری و آبیاری پروری، یا مراحل انجام فعالیت، مانند بچه‌داری، پرستاری، برداشت محصول، بازاریابی و ... با یکدیگر تفاوت داشته باشند. در برخی موارد، وظایفی که در مورد انجام فعالیت‌ها برعهده زنان و مردان گذاشته می‌شود با یکدیگر تداخل دارند، اما در مواردی این وظایف کاملاً از یکدیگر متمایز هستند. زنان و مردان فقط زارع، کارگر یا کارمند نیستند، بلکه همسر یا شوهر، و پدر یا مادر نیز هستند که مسئولیتها و وظایفی مانند تولید نسل، تربیت فرزندان و حفظ خانواده‌ها را برعهده دارند. برنامه‌ریزان و کارگزاران توسعه باید این نقش‌ها را در طراحی و تدوین پروژه‌ها مورد نظر داشته باشند.

### گام سوم : شناخت دسترسی به منابع

سومین مرحله انجام تحلیل جنسیتی شناسایی منابعی است که توسط زنان و مردان در انجام فعالیت‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزون بر این، در این مرحله چگونگی برخورداری از فواید حاصل از منابع مورد شناسایی قرار می‌گیرند. منابع شامل کار، زمان، سرمایه، زمین، درخت، دانش بومی، فناوری، آموزش‌های ترویجی، تسهیلات و امکانات است. فوایدی که از کاربرد این منابع به دست می‌آید شامل غذا، سوخت، درآمد، مهارت، منزلت اجتماعی و ... می‌باشد.

این مرحله از چارچوب عملی تحلیل جنسیتی اهداف زیر را دنبال می‌کند :

\* شناسایی منابعی که مردان و زنان در اختیار دارند.

- \* آگاهی از منافع حاصل از فعالیت‌های زنان و مردان که با بهره‌گیری از منابع بدست می‌آیند.
  - \* شناخت نیازها و محدودیت‌هایی که زنان و مردان در استفاده از منابع با آن مواجه هستند، با تأکید ویژه بر منابعی که برای تأمین معیشت و کسب درآمد ضروری به شمار می‌آیند.
  - \* آگاهی از انگیزه‌های مشارکتی زنان و مردان در مورد فعالیت‌های مربوط به برنامه‌های توسعه. در این مرحله توجه به دو تفاوت حایز اهمیت است.
    - الف. تفاوت بین منابع و فواید آنها
    - ب. تفاوت بین دسترسی و کنترل بر آنها
- در اجرای این بخش از تحلیل جنسیتی، دسترسی و کنترل مردان و زنان بر منابع و فواید حاصل از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفهوم «دسترسی» به این معنی است که چه افرادی امکان استفاده از منابع را مانند زمین زراعی، آب کشاورزی، یا ابزار کار دارند، بدون آنکه مالک و یا صاحب آن باشند. منظور از مفهوم کنترل، قدرت تصمیم‌گیری در مورد تعیین حقوق بهره‌برداری از منابع است. در واقع، این مرحله از روش تحلیل جنسیتی در پی پاسخ به این پرسشهای اساسی است که: «هرکس چه دارد؟» و «هرکس چه نیازهایی دارد؟»

### گام چهارم: طراحی برنامه عمل

- مرحله چهارم و نهایی تحلیل جنسیتی، طراحی برنامه عمل است. در این مرحله، کلیه اطلاعات و یافته‌های به دست آمده از مراحل پیشین در قالب یک مجموعه و در ارتباط با اهداف و فعالیت‌های برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مرحله تحقق موارد زیر مد نظر است:
- \* تحلیل اهداف برنامه‌های توسعه در ارتباط با فراهم ساختن پشتوانه‌هایی در مورد اولویت‌ها و نیازمندی‌های زنان و مردان
  - \* تحلیل فرصت‌های مشارکت در برنامه‌های توسعه برای زنان و مردان

\* ضرورت توجه به پایداری، برابری و اثر بخشی برنامه‌های توسعه

در مرحله طراحی برنامه عمل سه پرسش اساسی مطرح است :

۱. آیا برنامه عمل به اولویت‌ها و نیازهای متفاوت مردان و زنان توجه می‌نماید؟
۲. آیا مردان و زنان متناسب با نقش‌ها و نیازهایشان در برنامه عمل مشارکت خواهند کرد؟
۳. آیا در شرایط موجود امکان تحقق پایداری، برابری و اثربخشی در برنامه‌های عمل وجود دارد؟ یا اینکه ضروریست تغییراتی در وضع کنونی ایجاد گردد؟  
در واقع می‌توان هدف این مرحله را در این پرسش خلاصه نمود که : چگونه می‌توان شکاف‌های موجود بین زنان و مردان را کاهش داد و برنامه‌های توسعه در این میان چه کمکی می‌کنند؟

در طراحی برنامه عمل توجه به عواملی که تعیین می‌کند چه گروه‌هایی و با استفاده از چه منابعی فعالیت‌های خاصی را انجام می‌دهند، اهمیت زیادی دارد. زیرا این عوامل نقش میانجی را در فعالیت‌های معطوف به توسعه هم برای مردان و هم برای زنان ایفا می‌کند. علاوه بر این، تحلیل جنسیتی محورهایی را که در یک برنامه توسعه نیاز به تغییر احتمالی دارند، مشخص نموده و با مشارکت زنان و مردان توصیه‌های کاربردی متناسب با حساسیت‌های موجود در باره جنسیت را ارائه می‌دهد. بدین ترتیب امکان موفقیت برنامه توسعه افزایش می‌یابد.

### • تجربه عملی تحلیل جنسیتی

برگزاری کارگاه‌های تحلیل جنسیتی، با این هدف صورت می‌گیرد که کارگزاران توسعه کاربرد این روش را برای درک تفاوت‌ها و تکثر<sup>۱</sup> در جامعه براساس جنسیت، سن، طبقه یا قومیت تمرین نمایند و مهارت‌های لازم را برای ارزیابی اثرات چنین تنوع و تکثری را بر فعالیت‌های مورد نظر خود، مانند جنگل‌کاری، حفاظت از جنگل‌ها و آبخیزداری کسب کنند. همچنین بیاموزند که

۱. Diversity

جنگل‌ها و آبخیزداری کسب کنند. همچنین بیاموزند که چگونه تحلیل جنسیتی را در تدوین و اجرای پروژه‌های توسعه بکار ببرند تا برنامه‌پایدار، برابر و موثری داشته‌باشند.

در این بخش از مقاله به ذکر نتایج برگزاری کارگاه آموزشی تحلیل جنسیتی با شرکت کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی (جهاد سازندگی سابق) تحت عنوان، «نقش زنان روستایی در مدیریت منابع طبیعی» پرداخته می‌شود.

این کارگاه با شرکت حدود ۳۰ نفر از کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی در تاریخ ۱۷-۱۲ تیرماه ۱۳۷۸ در کلاک (کرج) برگزار گردید. شرکت کنندگان به گروه‌های شش نفری تقسیم شدند و هرگروه در جریان برگزاری کارگاه مشارکت قابل توجهی داشتند.<sup>(۲)</sup>

### □ روش شناسی تحلیل جنسیتی

در جریان برگزاری کارگاه با تکیه بر چارچوب «رهیافت مشارکتی روستایی»<sup>۱</sup> از تکنیک‌های زیر استفاده شد:

۱. «بحث‌ها و گفتگوهای نسبتاً هدایت شده»<sup>۲</sup> براساس فهرستی از موضوعات اصلی که از قبل توسط تسهیلگران تهیه شده بود، موضوعات مطرح گردید. در ضمن انعطاف‌پذیری کامل برای طرح و پیگیری موضوعاتی که از نظر کارشناسان شرکت کننده مهم بود، در نظر گرفته شد. همچنین از امکانات دیداری (اسلاید و فیلم) برای هدایت بحث‌ها بهره گرفته شد.
۲. شیوه «تحلیل تاریخی تغییرات»<sup>۳</sup> از این تکنیک برای شناخت دگرگونی نقش‌های جنسیتی از گذشته تا زمان حال استفاده شد.

۱. Participatory rural approach

۲. Semi-structured

۳. Historical Matrix

۳. بهره‌گیری از «مطالعه موردی»<sup>۱</sup> با استفاده از مطالعات موردی انجام شده در کشورهای پاکستان شرکت‌کنندگان با چهارگام اصلی در تحلیل جنسیتی آشنا شدند.
۴. برای تشخیص مهمترین مشکل از نظر شرکت‌کنندگان، از تکنیک رسم نمودار «علت و معلول»<sup>۲</sup> استفاده شد. علل وجودی و نیز پیامدهای هر مشکل به صورت درخت ترسیم شد.
۵. برای نشان دادن مسئولیت‌های جنسیتی از شیوه «ارتباط فعالیت و مکان‌ها»<sup>۳</sup> استفاده شد.

### □ فرایند اجرای کارگاه

در آغاز کارگاه رابطه پیچیده محیط زیست و منابع طبیعی و برنامه‌ریزی مشارکتی با حضور مردم (زنان و مردان) - به عنوان عاملان و برخوردار شوندگان فعالیت‌های منابع طبیعی - طرح گردید. سپس نظر شرکت‌کنندگان به موضوع آب و خاک با توجه به عامل جنسیت جلب شد، آنگاه تفاوت بین مفهوم زن و جنسیت و مباحث نظری مربوط به آن توضیح داده شد.

برای نشان دادن تفاوت در تقسیم کار جنسیتی با توجه به تفاوت فرهنگ‌ها از اسلایدهای تهیه شده توسط سازمان خواروبار و کشاورزی در مناطق مختلف کشور تایلد (۱۹۹۶)، استفاده گردید. مفاهیم، هدف تحلیل جنسیتی و تصویر کلی از چهار گام اصلی با ارائه اطلاعات کلی توضیح داده شد. سپس کارشناسان به پنج گروه تقسیم شدند که نحوه تشکیل و انتخاب اعضای گروه‌ها بصورت داوطلبانه انجام شد. گروه‌های مذکور در طی روز با انجام تمرین‌های مختلف، اطلاعات و نظراتشان را با یکدیگر مقایسه می‌کردند و سپس جمع‌بندی صورت می‌گرفت.

---

۱. Case Study

۲. Cause and Effect

۳. Linkage of Farm and Activities

## □ گزارش تمرین‌ها

در این بخش از مقاله نتایج کارگاه تحلیل جنسیتی، تمرین‌های انجام شده، فرایند آنها و مهمترین یافته‌های مربوط به هر تمرین بصورت بسیار خلاصه ارائه می‌گردد:

### گزارش تمرین: بازی نقش‌ها<sup>۱</sup>

تمرین ۱. شناخت میزان آگاهی مردان نسبت به نقش زنان روستایی و تحول نقش‌ها در طی زمان

#### ▪ فرایند

در این تمرین هریک از گروه‌های پنجگانه یکی از نقش‌ها را انتخاب کردند: زن روستایی، مرد روستایی، دختر روستایی و پدر و یا مادر بزرگ روستایی. از آنها خواسته شد که فهرست کارهای روزانه هریک از نقش‌ها را در فصل کار کشاورزی بنویسند و با انتخاب یک نماینده، مطلب خود را به جمع ارائه کنند. هدف این بود که ضمن آشنایی با نقش‌ها، چگونگی دگرگونی آن از نسل سالخورده (مادر بزرگ) به (زن) نسل میانسال و (دختر روستایی) نسل جوان با هم مقایسه شود. همچنین تفاوت و یا مشابهت نقش زنان و مردان و کارهایی که هریک انجام می‌دهند، شناخته و بارز شود. نتیجه مطالب و بحث‌های گروهی یافته‌های زیر را بدست داد.

#### ▪ یافته‌ها

- \* فعالیت زنان بیشتر در درون خانه (فضای خصوصی) دیده شد.
- \* نقش زنان در انجام فعالیت‌های زراعی و دامی با واژه «همکاری» و یا «کمک» طرح شد.



- \* نقش مردان در خارج از خانه (فضای عمومی) مد نظر قرار گرفت.
- \* میان نقش مادران و دختران تفاوت چندانی مطرح نشد. بعبارت دیگر کارشناسان تغییری را در نقش‌های جنسیتی ندیدند.
- \* شرکت کنندگان در کارگاه (تحلیل گران) فرصتی را برای شب نشینی و رفتن به خانه همسایه و فامیل برای مردان بعد از صرف شام قائل شدند ولی چنین موضوعی برای زنان مطرح نشد.

### گزارش تمرین : شناخت زمینه توسعه

تمرین ۲. شرایط (زمینه و بستر توسعه) چگونه است، عوامل محدود کننده و پشتوانه‌ها کدامند؟

#### ▪ فرایند

این تمرین با شیوه «مطالعه موردی» و با هدف آگاهی از آنچه که هست و چگونگی رابطه متغیرهای زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، نهادی، جمعیتی، سیاسی در مدیریت منابع طبیعی طرح شد. تلفیق ابعاد جنسیتی با عوامل گوناگون محور اصلی تمرین بود. مطالعات موردی از کشورهای نپال و بنگلادش (FAO, 1997) مورد استفاده قرار گرفت.

#### ▪ یافته‌ها

- \* عوامل محدود کننده در شرایط موجود زمینه توسعه بخوبی تشخیص داده شد.
- \* گروه‌های پنجگانه در مورد عواملی که پشتوانه برنامه‌های توسعه تلقی می‌شوند، اختلاف نظر داشتند.
- \* دو گروه، نیروی کار زنان و مشارکت آنان را در فعالیت‌ها بعنوان پشتوانه محیطی و اجتماعی دیده بودند.

- \* بطور کلی ابعاد جنسیتی توسط کارشناسان کمتر مورد توجه قرار گرفته بود.
- \* فقط یک گروه توجه بیشتری به ابعاد جنسیتی بعنوان پشتوانه‌ها و محدودیت‌ها نموده بود که نکات مهم عبارت بودند از :
  - پشتوانه اجتماعی شامل : علاقه زنان به منابع طبیعی و آمادگی برای ایجاد تشکل
  - محدودیت‌ها شامل : عدم امکان مالکیت عوامل تولید توسط زنان (زمین و .. ...)
  - سهم پایین نیروی کار زنان در کل اشتغال
  - کمبود زنان تحصیل کرده
  - پایین بودن سن ازدواج
  - سهم بالای زنان سرپرست خانوار که با عنوان «زنان بی سرپرست» مطرح شده بود.

### گزارش تمرین : شناخت فعالیت‌ها و نقش‌ها

تمرین ۳. چه کسی چه کار می‌کند، چه وقت و کجا؟

#### ▪ فرایند

این مرحله نیز با استفاده از مطالعات موردی و رابطه فعالیت‌ها با مکان، انجام شد. هدف، تشخیص فعالیت‌های تولیدی و باز تولیدی زنان و تفکیک نقش‌های جنسیتی بود. فعالیت‌های تولیدی مثل کشاورزی، جنگلداری، دامداری و ... از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. رابطه زنان روستایی با منابع طبیعی در هریک از فعالیت‌ها محور بحث بود. از تحلیلگران خواسته شد که با ذکر فعالیت‌های زنان و مردان و مشخص کردن مواردی که هر دو با هم در انجام یک فعالیت مشارکت دارند، مکان و زمان انجام این فعالیت را مشخص نمایند.

تمرین پیشنهادی با اطلاعات کشور نپال بصورت دسته جمعی یکبار انجام شد و سپس از کارشناسان خواسته شد که تمرین را با مطالعه موردی کشور بنگلادش انجام دهند.

### ▪ یافته‌ها

نوع فعالیت‌های زنان و مردان با توجه به زمان و مکان انجام آن بخوبی تشخیص داده شده و بین گروه‌های پنجگانه در این زمینه تفاوتی وجود نداشت.

### گزارش تمرین : شناخت دسترسی به منابع

تمرین ۳. چه کسی چه دارد و به چه نیاز دارد؟

### ▪ فرایند

هدف از این تمرین، درک این مطلب بود که چه کسی به منابع و منافع که از فعالیت‌ها بدست می‌آید، دسترسی دارد و چه کسی آن را کنترل می‌کند. زن، مرد یا هر دو؟ برای انجام این تمرین به گروه‌ها توضیح داده شد که هر گروه تمام منابعی که امکان دسترسی (کاربرد این منابع) به آن برای زنان یا مردان وجود دارد و همچنین در اختیار زنان و مردان (تصمیم‌گیری و کنترل) قرار دارد را مشخص کنند. تمرین با توضیحات کافی در مورد تفاوت میان مفهوم «دسترسی» و «کنترل» و انجام یک تمرین بصورت جمعی با استفاده از مطالعه موردی کشور نپال انجام شد.

### ▪ یافته‌ها

- ☒ تشخیص تفاوت میان دسترسی و کنترل برای کارشناسان مشکل بود.
- ☒ زمینه‌های فرهنگی و آموخته‌های دوران جامعه‌پذیری کارشناسان، مانعی برای درک کامل آنها از موضوع بود.
- ☒ کارشناسان تمایلی به تفکیک دو مفهوم «دسترسی» و «کنترل» نداشتند.
- ☒ در نتیجه نیازهای زنان روستایی برای کنترل بر منابع ناشناخته باقی ماند.

## گزارش تمرین : طراحی برنامه عمل

تمرین ۴. چه باید کرد و با توجه به مشکلات چه کسانی؟

### ▪ فرایند

در تمرین‌های پیشین شرایط کنونی و چه هست مورد نظر بود. در این مرحله دو هدف دنبال می‌شد: (۱) تشخیص مهمترین مشکل با استفاده از تکنیک رسم نمودار علت و معلول<sup>۱</sup> و (۲) پیشنهاد راه حل‌های ممکن. بعبارت دیگر چه باید باشد و سپس (۳) گفتگو در مورد اینکه آیا زن و مرد یا هر دو باید در اجرای هریک از راه حلها مشارکت کنند و چرا؟

از کارشناسان خواسته شد که هر گروه پس از توافق در مورد مهمترین مشکل جامعه مورد نظر (مطالعه موردی کشور بنگلادش) یک درخت ترسیم کنند. که در آن مشکل را به عنوان تنه درخت، علل به وجود آورنده مشکل را در ریشه‌های درخت و پیامدهای این مشکل را در قالب شاخه‌های درخت ترسیم نمایند.

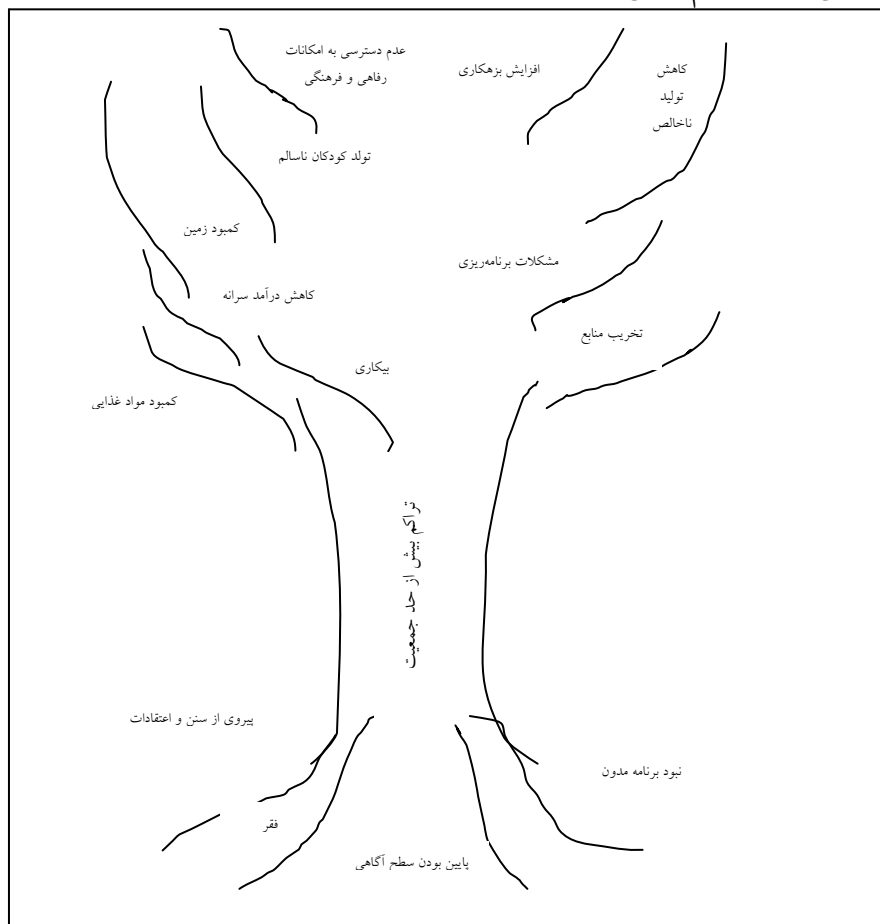
### ▪ یافته‌ها

- \* هریک از گروه‌ها مشکل اصلی را در جامعه مورد نظر متفاوت از دیگران تشخیص داده بودند مشکلات عبارت بودند از: تراکم بیش از حد جمعیت، نرخ پایین سواد، فقر، عدم وجود قوانین و مدیریت صحیح، محدودیت و عدم بهره‌وری منابع (یک نمونه از نمودارهای مربوط به این تمرین ارائه می‌شود).
- \* با توجه به ناشناخته بودن تحلیل جنسیتی در میان کارشناسان و گستردگی دامنه گفتگوها، تمرین شناسایی علت و معلول وقت زیادی را به خود اختصاص داد. در نتیجه موضوع طراحی برنامه عمل بطور کامل مورد بحث قرار نگرفت.<sup>(۲)</sup>

---

۱. Cause and effect diagram

## تمرین ۵- تراکم بیش از حد جمعیت (گروه ۳)



## • نتیجه گیری

مقاله با هدف اصلی معرفی یکی از مهمترین روش‌ها در مطالعات و برنامه‌ریزی توسعه یعنی تحلیل جنسیتی تدوین گردیده است. چارچوب عملی این روش برای شناخت اساسی‌ترین موضوعات و پاسخگویی به سوالات کلیدی در هر برنامه و یا پروژه توسعه توسط کارشناسان سازمان‌های بین‌المللی ارائه گردیده است.

اولین تجربه عملی این روش با کارشناسان توسعه روستایی نشان دهنده ضرورت فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر آموزشی برای آشنایی با مفاهیم تحلیل جنسیتی و کاربرد آن می‌باشد. این موضوع بویژه در شرایط کنونی کشور ما که مردان سهم اصلی را در مجموع برنامه‌ریزان و مجریان پروژه‌های توسعه در جامعه روستایی دارند، بسیار حیاتی است.

ایجاد آمادگی فرهنگی برای درک و پذیرش نقش و فعالیت زنان و در نظر گرفتن نیازها و اولویت‌های متفاوت آنها از طریق برگزاری کارگاه‌های متعدد تحلیل جنسیتی می‌تواند به پایداری و موفقیت برنامه‌های توسعه کمک شایانی نماید.

### پی‌نوشت

(۱) این مقاله از گزارش زیر استخراج و تدوین شده است: شادی طلب، ژاله، شراره ورزگر، مستانه عزیزی، مهدی رحمتی و عبدالرضا اسدی (۱۳۷۸) کارگاه آموزشی مشارکت نقش زنان در مدیریت منابع طبیعی، دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات کویری و بیابانی ایران. طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک، پروژه مشارکت زنان، ۱۷-۱۲ تیرماه، تهران.

(۲) دوره برگزاری کارگاه دو روز بود ولی بنظر می‌رسد بیش از دو روز برای چنین دوره‌های آموزشی مورد نیاز می‌باشد.

## منابع

- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۹)، «برنامه‌ریزی جنسیتی برپایه واقعیت‌ها»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده علامه طباطبائی، پاییز و زمستان، شماره ۱۱ و ۱۲ صفحات ۱-۳۲
- Food and Agricultural Organization (1997), *Gender Analysis for Forestry Development Planning, Why & Who*, Rome.
- Oakley A. (1972), "Gender and Society". London : Temple Smith
- Rulin G. (1975), "The Traffic in Women : Notes on The Political Economy of Sex". In R. Reiter (ed.) *Toward an Anthropology of Women*. New York
- Whitehead A. (1979), "Some Preliminary Notes on The Subordination of Women". *Institute of Development Studies Bulletin*, Vol. 10, No. 3.
- Wilde Vicki L., and Arja Vainio-Mattila (1995). "How Forestry Can Benefit from Gender Analysis". *Forest, Trees and People Programme*, FAO.